

ابعاد حقوق بشردوستانه در کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی

بهروز قادری^۱

چکیده

مواد ۲۲ تا ۲۷ اعلامیه حقوق بشر به موضوع حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اختصاص داده شده است. در این مواد، استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی در واقع نوعی سوء استفاده از حق دفاع به نظر می‌آید، و دیوان بین‌المللی دادگستری با سکوت نسبت به منع کارکرد سلاح هسته‌ای در مقام دفاع مشروع به نوعی کاربرد سایر سلاح‌های کشتار جمعی را توجیه کرده است. سازمان منع سلاح‌های شیمیایی و ارگان‌های پیش‌بینی شده در معاهده، از اقتدار زیادی برخوردار هستند، بگونه‌ای که در صورت تخلف هر یک از اعضا که در پایبندی‌اش به معاهده، شک و تردید، ایجاد شود، سازمان می‌تواند اقدامات دسته‌جمعی، از جمله تحریم‌ها را، علیه دولت خاطی به دیگر دولت‌های عضو، توصیه نماید. با این حال اگرچه قواعد مربوط به حقوق جنگ پیشرفت قابل ملاحظه‌ای نکرده است، اما تعهدات قراردادی دولت‌ها در مورد جنگ، بعنوان یکی از منابع حقوق جنگ، نیز چندان ناچیز نیست. در این نوشتار به روش توصیفی-تحلیلی سعی شده است، ابعاد حقوق بشردوستانه مبنی در سلاح‌های کشتار جمعی مورد بررسی قرار بگیرد. و مهمترین چالش این طرح با حقوق بین‌الملل و با هدف بررسی جوانب مختلف از منظر حقوق بشری و حقوق بین‌المللی ارزیابی گردد.

واژگان کلیدی: حقوق بشردوستانه، سلاح‌های کشتار جمعی، جنگ، حقوق بین‌الملل

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد صفادشت gaderybehruz@gmail.com

مقدمه

سلاح‌های کشتار جمعی، نخستین بار در جنگ جهانی اول و در سال ۱۹۱۵، آلمانی‌ها گازهای خفه کننده بکار بردند. که در قالب توصیف ویرانی‌های ناشی از شهر گرینیکا ابداع شد. با اینکه معاهدات متعددی در خصوص سلاح‌های کشتار جمعی وجود دارد اما هیچ‌یک به اصول این سلاح نپرداخته‌اند. دولت‌ها بدون آنکه دامنه اصول حاکم بر این سلاح‌ها را محدود سازند، با نگاهی مصداقی این حق را برای خود محفوظ داشته‌اند تا در طول زمان هر سلاحی را در این قالب قرار دهند. جمهوری اسلامی ایران نیز بعنوان کشوری صلح‌طلب، همانند سایر کشورهای صلح‌دوست خواهان کاهش تسلیحات در سطح جهان و برچیده شدن سلاح‌هایی است، که جزء تهدید بشریت و به هدر دادن منابع، سرمایه‌ها و نیروی انسانی، ثمری ندارند. ایران، حامی و پیشرو سلاح‌های کشتار جمعی بوده و تولید و استفاده از اینگونه سلاح‌ها را خلاف اصول و اعتقادات خود و غیراخلاقی و غیرانسانی می‌داند. تمامی روسای جمهوری اسلامی ایران نیز همواره بر مخالفت ایران با سلاح‌های هسته‌ای تأکید و این موضوع را خاطر نشان کرده‌اند که ایران همواره در تلاش‌های بین‌المللی در مخالفت با تسلیحات هسته‌ای و دیگر سلاح‌های کشتار جمعی پیشرو بوده و می‌باشد. از آنجا که ابتکار امنیت سلاح‌های کشتار جمعی مستلزم اقدامات عملی خصوصاً در دریاها می‌باشد که بیشترین حجم حمل و نقل مواد ممنوعه نیز از این طریق صورت می‌گیرد، درست است که قطعنامه ۱۵۴۰ شورای امنیت حمل و نقل سلاح‌های کشتار جمعی، سیستم حمل آن و مواد مرتبط با آن را عملی برهم زنده صلح و امنیت بین‌المللی می‌داند، اما توقیف این محموله‌ها بایستی همچنان مبتنی بر حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی هر کشور مطابق با حقوق بین‌الملل باشد. اکنون هم سیاستگذاران و تصمیم‌گیرندگان دولتی و نهادهای غیردولتی در تلاش‌اند تا نه تنها تهدیدهای ناشی از تروریسم بلکه خطر استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی علیه اهداف نظامی و غیرنظامی را نیز به دقت مورد توجه قرار دهند. از این رو حمله فرقه آنوم‌شین ریکیو و پخش گاز اعصاب سارین در مترو ژاپن در سال ۱۹۵۵ و همچنین پخش احتمالی عامل سیاه زخم در آمریکا و کشورهای دیگر را بر آن داشت تا مفروضات خود را مورد بازنگری قرار دهند در محیط جدید بین‌المللی که دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در حال تنوع بخشیدن به نقش حقوق بین‌المللی در رابطه با تهدید سلاح‌های کشتار جمعی هستند تحولات پس از ۱۱ سپتامبر رویکرد نسبتی کنترل تسلیحات در مجموعه حقوق بین‌الملل را علیه سلاح‌های کشتار جمعی متمرکز نمود. با اینکه هنوز هم دولت محور بودن جامعه بین‌المللی سبب حفظ ساختار روابط مبتنی بر تعامل قدرت شده است اما روند مربوط به عراق و سلاح‌های کشتار جمعی و خلع سلاح آن فرازی جدید از کارکرد و نقش‌آفرینی را فراروی شورای امنیت سازمان ملل متحد قرار داده است.

ماهیت سلاح‌های کشتار جمعی

سلاح‌های کشتار جمعی، بیشترین خطر را برای انسان به دنبال دارند. خطری که نه تنها نسل‌های امروزی بلکه نسل‌های آینده را نیز تهدید می‌کند؛ زیرا که این نوع سلاح‌ها تا مدت‌ها اثرات مخرب و مرگبار خودشان را حفظ می‌کنند. خطرات و پیامدهای ناگوار و ناخوشایند اینگونه سلاح‌ها به هیچ وجه در بیان نمی‌گنجد. تا به امروز کشورهای زیادی خسارات ناشی از این نوع سلاح‌ها را متحمل شده‌اند. کشور ما ایران خود از آسیب‌دیدگان این نوع سلاح‌هاست، در طول هشت سال جنگ تحمیلی بسیاری از رزمندگان و حتی غیر رزمندگان ایرانی با حملات شیمیایی عراق مصدوم شده و یا به شهادت رسیدند. بنابراین صدمات جبران‌ناپذیر آنها امروز، بر هیچ دوستی پوشیده نیست. پس بایستی هرچه زودتر به تولید سلاح‌های کشتار جمعی خاتمه داده و آنها را نابود کنند. سلاح‌های کشتار جمعی در بردارنده سلاح‌هایی مانند سلاح اتمی، سلاح بیولوژیک و سلاح شیمیایی می‌باشند. اینها نمونه‌های بارز سلاح‌های کشتار جمعی هستند که بکارگیری آنها بدون شک مرگ را در پی دارد. در تعریف سلاح اتمی و یا سلاح هسته‌ای گفته شده است که سلاحی که در ساخت آن از مواد منفجره هسته‌ای و یا از ایزوتوپ‌های رادیواکتیو استفاده شده و در اثر انفجار و یا دیگر تغییرات هسته‌ای، قادر به انهدام یا مسمومیت در سطح بسیار گسترده شود، سلاح اتمی یا هسته‌ای می‌نامند. در تعریف سلاح‌های بیولوژیک نیز آمده است: در هر ماده بیولوژیک که تأثیر آن وابسته به تکثیر در داخل ارگانیزم هدف ۸۷ بوده و برای آنکه باعث بیماری یا مرگ در انسان، حیوان و گیاه شود، در جنگ مورد استفاده قرار می‌گیرد. در میان سلاح‌های کشتار جمعی، سلاح‌های هسته‌ای بیشترین توجه جامعه جهانی را به خود معطوف نموده است؛ زیرا که ارتباط تنگاتنگی با صلح و امنیت بین‌المللی دارد. مجمع عمومی سازمان ملل متحد در قطعنامه‌های زیادی بکارگیری این نوع سلاح‌ها را محکوم نموده است؛ شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز آن را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی می‌داند. اما مهمترین نظر را دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی مشورتی خویش در سال ۱۹۹۶ اعلام داشته است. رأیی که مبهم و دوپهلوی بوده و بحث‌های زیادی را به همراه داشته است؛ چون دیوان در آن رأی نتوانست مشروعیت و یا عدم مشروعیت بکارگیری سلاح‌های هسته‌ای را کاملاً مشخص نماید. این مسئله سبب گردید که دولت‌هایی مانند آمریکا، فرانسه و انگلیس قائل به محفوظ بودن حق در استفاده از سلاح هسته‌ای باشند.

۱- سلاح‌های کشتار جمعی

سلاح کشتار جمعی به جنگ‌افزاری گفته می‌شود که می‌تواند شمار بسیار زیادی انسان را بکشد و خسارت فراوانی به سازه‌های ساخت بشر یا محیط زیست وارد آورد. در میان اینگونه سلاح‌ها، به جنگ‌افزارهایی مانند جنگ‌افزارهای شیمیایی و میکروبی و اتمی، جنگ‌افزار نامتعارف گفته می‌شود.^۱

سلاح‌های کشتار جمعی^۲ در ادبیات حقوق تسلیحات مترادف با سلاح‌های نامتعارف است. این نوع سلاح‌ها دارای قدرت تخریب فراوان بوده، به منظور انهدام وسیع بکار رفته و دارای آثار مخربی است که نمی‌تواند به اهداف معین محدود شود. این سلاح‌ها که گاه با علامت اختصاری A.B.C از آنها یاد می‌شود. در مقابل سلاح‌هایی قرار دارند که به سلاح‌های متعارف موسوم هستند. معادل سلاح‌های کشتار جمعی در زبان فارسی ش. م. ه. (شیمیایی، میکروبی و هسته‌ای) می‌باشند (ممتاز(ب)، ۱۳۷۷: ۱۴-۱۰).

۲- انواع سلاح‌های کشتار جمعی

سلاح‌های کشتار جمعی شامل سلاح‌های اتمی، باکتریولوژیک و شیمیایی است که با علائم اختصاری A.B.C یا N.B.C یا R.B.C بکار می‌روند و در زبان فارسی علامت مخفف این سلاح‌ها «ش.م.ه»، مخفف شیمیایی، میکروبی و هسته‌ای و گاهی نیز «ش.م.ر» می‌باشد که حرف «ر» مخفف کلمه «راديو اکتیو» است. معیار تشخیص این سلاح‌ها، یکی قدرت تخریبی آنها و دیگری اهداف آنها می‌باشد. براساس معیار دوم، ماهیتاً جزء به منظور انهدام وسیع بکار نمی‌روند و نمی‌توانند به اهداف معینی محدود شوند. سلاح‌های کشتار جمعی باید بنحوی تعریف شوند که دربردارنده سلاح‌های انفجار اتمی، سلاح‌هایی که با مواد راديو اکتیو عمل می‌کنند، سلاح‌های بیولوژیک و شیمیایی و تمام سلاح‌هایی که در آینده تولید می‌شوند و از حیث تخریب دارای آثار مشابهی هستند، باشند. متأسفانه بجز در مورد سلاح‌های شیمیایی، تعریف عهدنامه‌ای از دو سلاح دیگر وجود ندارد. این نقص نه از سر اتفاق بلکه به دلیل تمایل آمریکا و شوروی پدید آمده است زیرا این دو دولت که سهم اصلی را در ترتیبات بین‌المللی مربوطه داشته‌اند، ترجیح داده‌اند تا از تعاریف و قالب‌های کاملاً دقیق اجتناب شود. مع ذلک سعی می‌شود با استفاده از اسناد دیگر و نظرات استادان برجسته تعریفی برای هر یک از آنها ارائه شود. (همان، ۱۷).

¹ "Weapon of mass destruction," The Free Encyclopedia. March 30.2008

² Weapons of mass destruction: WMD

الف) سلاح‌های اتمی

از آنجا که در تنها سند عهدنامه‌ای با ابعاد تقریباً جهانی یعنی معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای ۱۹۶۸، تعریفی از سلاح اتمی نشده است، برای تعریف این سلاح عموماً به ضمیمه پروتکل توافقات پاریس استناد می‌شود.

مطابق تعریف این سند، سلاح اتمی عبارت است از:

«سلاحی که در ساخت آن از مواد منفجره هسته‌ای یا ایزوتوپ‌های رادیواکتیو استفاده شده و در اثر انفجار یا دیگر تغییرات هسته‌ای، قادر به انهدام یا مسمومیت در سطح بسیار گسترده باشد».

خطر گسترش سلاح‌های هسته‌ای به دو جهت است. یکی تکثیر این سلاح‌ها توسط قدرت‌های هسته‌ای و دیگر، انتشار و انتقال این سلاح‌ها به دولت‌های غیرهسته‌ای و در نتیجه تکثیر و گسترش در سطح جهان و از این‌روی گسترش عمودی و افقی معنا می‌یابد. تعداد کشته‌شدگان و زخمیان حمله اتمی آمریکا به دو شهر هیروشیما و ناگازاکی در منابع مختلف به صورت‌های متفاوت نقل شده است ولی قدر مسلم نزدیک به یکصد و پنجاه هزار نفر در این حملات جان باخته‌اند که بیشتر آنان غیرنظامیان بوده‌اند. این در حالی بوده که آن بمب‌های اتمی حدوداً کمتر از بیست هزار تن مواد منفجره تی، ان، تی قدرت انفجار داشته‌اند ولی بمب‌های امروزی که بخشی از آن برای چند بار زیر و رو کردن کره خاکی کافی است، از قدرتی بین ۵ تا ۵۰ میلیون ۸۹ تن تی، ان، تی برخوردارند.

معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای ۱۹۶۸ که ۱۸۰ کشور از جمله ایران به آن ملحق شده‌اند، تعهداتی برای دولت‌های فاقد سلاح هسته‌ای و همچنین تعهداتی برای دولت‌های مجهز به سلاح هسته‌ای به وجود آورده است.

مطابق ماده (۲) معاهده، هر یک از دولت‌های فاقد سلاح هسته‌ای متعهد شده است از قبول مستقیم یا غیرمستقیم انتقال سلاح هسته‌ای یا سایر ادوات انفجاری هسته‌ای از هر انتقال دهنده‌ای خودداری نماید و به هیچ نحوی از انحاء، سلاح هسته‌ای یا سایر ادوات انفجاری هسته‌ای نسازد و تحصیل ننماید و برای ساختن آن در جستجو یا جلب کمک برنیاید و به موجب ماده (۳)، دولت‌های عضو می‌بایست موافقت‌نامه‌هایی را با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی منعقد نمایند و نظارت آژانس را بپذیرند.

تعهدات دولت‌های مجهز به سلاح هسته‌ای عبارتند از:

عدم انتقال سلاح هسته‌ای به دولت‌های فاقد آن؛

مساعدت به دولت‌های فاقد سلاح هسته‌ای؛

همکاری برای استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای؛

اعمال محدودیت در انتقال فناوری هسته‌ای؛
تضمینات امنیتی.

ب) سلاح‌های بیولوژیک

از سلاح بیولوژیک در کنوانسیون ۱۹۷۲ راجع به منع گسترش، تولید و انباشت سلاح‌های باکتریولوژیک (بیولوژیک) و سمی و انهدام آنها تعریفی نشده لیکن تعریفی که متخصصین نیز با آن موافقند عبارت است از: «هر ماده بیولوژیک که تأثیر آن وابسته به تکثیر در داخل ارگانیزم هدف بوده و برای آنکه باعث بیماری یا مرگ در انسان، حیوان و گیاه شود، در جنگ مورد استفاده قرار می‌گیرد».

سلاح‌های بیولوژیک و شیمیایی خصوصیت مشترکی دارند. عوارض آنها قابل پیش‌بینی نیست و غیرنظامیان در مقابل آنها، بسیار آسیب‌پذیرتر از نظامیان هستند.

ج) سلاح‌های شیمیایی

«سلاح شیمیایی شامل تمام مواد شیمیایی خواه به صورت گاز، مایع یا جامد است که به خاطر اثرات سمی مستقیم روی انسان، حیوان و گیاه بکار گرفته می‌شوند». همین تعریف مبنای تعریف سلاح شیمیایی در کنوانسیون منع گسترش، تولید، انباشت و بکارگیری سلاح‌های شیمیایی و انهدام آنها مصوب ۱۹۹۳، قرار گرفته است. نخستین بار که آلمان در سال ۱۹۱۵ از سلاح شیمیایی استفاده کرد، جامعه بین‌المللی یک‌صدا این عمل را محکوم نمود و به همین دلیل بود که هنگام انعقاد عهدنامه ورسای در سال ۱۹۱۹ در ماده ۱۷ آن مقرر شد که: «استعمال گازهای خفه کننده، مسموم کننده و شبیه آن و کلیه مایعات و مواد مشابه آن ممنوع است».

در مقدمه پروتکل ژنو در سال ۱۹۲۵ نیز تأکید شده که استعمال سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیک مورد تنفر افکار عمومی دنیای متمدن بوده و منع بکارگیری آن مطابق وجدان و رویه معمول ملل می‌باشد. علیرغم همه این تلاش‌ها و ممنوعیت‌های مندرج در پروتکل ۱۹۲۵، کنوانسیون ۱۹۷۲ و کنوانسیون ۱۹۹۳، در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، انواع سلاح‌های شیمیایی مانند گاز اعصاب، خفه کننده، تاول‌زا و خردل بر ضد رزمندگان ایران بکار گرفته شد. این سلاح‌ها باعث انواع آسیب‌های شدید جسمانی از قبیل التهاب حاد ریوی، اغما، ورم ملتحمه در چشم، تعوع، ایست تنفسی، نابینایی، تاول و جراحات شدید پوستی، تشنج و مرگ گردیدند.

د) سلاح‌های مخرب محیط زیست

آمریکا در جنگ ویتنام به منظور تخریب پوشش جنگ‌ها و جلوگیری از استتار و پناه گرفتن مبارزان ویتنامی، بطور گسترده‌ای از علف‌کش‌ها استفاده کرد. حال آنکه در برنامه‌ریزی عملیات نظامی باید محیط زیست منطقه عملیات مورد توجه قرار گرفته، در برابر صدمات بلندمدت حفاظت شود.

به موجب کنوانسیون ممنوعیت استفاده از تکنیک‌های تغییر محیط زیست، این تکنیک‌ها را در صورتی که آثار گسترده، پایدار و شدیدی به جای می‌گذارند، نباید تعمداً برای اهداف خصمانه بکار گرفت. به موجب ماده ۴۸ پروتکل اول ژنو، محیط زیست نباید مورد حمله واقع شود.

به موجب مواد ۳۵ و ۵۵ پروتکل اول ژنو، استفاده از آن دسته از روش‌ها و ابزارهای جنگی که منظور از آنها وارد آوردن صدمات گسترده، طولانی‌مدت و شدید به محیط زیست است یا ممکن است چنین صدماتی را به دنبال داشته باشد و همچنین به خطر انداختن سلامتی و حیات جمعیت، ممنوع است.

به موجب ماده ۵۷ پروتکل اول ژنو، هنگام حمله به یک هدف نظامی، می‌بایست از روش‌ها و ابزارهایی استفاده شود که با در نظر گرفتن موفقیت نظامی، کمترین آسیب زیست محیطی را موجب گردد یا به عبارت دیگر هرگونه آسیب زیست محیطی با هدف نظامی به دست آمده، متناسب باشد.

۹۱

ه) تسلیحات متعارف ممنوع

۱- گلوله‌های منفجر شونده: استفاده از گلوله‌های ضد نفر انفجاری یا آتش‌زا ممنوع است.

۲- گلوله‌های منبسط شونده: کاربرد گلوله‌هایی که در بدن انسان به آسانی منبسط و باز شده یا له می‌شوند نظیر گلوله‌هایی که از پوسته محکمی تشکیل شده‌اند که کاملاً هسته را نمی‌پوشاند یا بر روی آنها شکاف‌هایی وجود دارد یا گلوله‌هایی که نوک نرم دارند و در هنگام تماس نوک آنها له می‌شوند ممنوع است. از آن جمله گلوله‌های دام - دام است که انفجاری نیست اما جدار خارجی آن تراشیده شده و پس از اصابت پارگی وسیعی ایجاد می‌کند (ساعد، ۱۳۸۶: ۴۳).

۳- ترکش‌های غیر قابل ردیابی: استفاده از هرگونه سلاحی که اثر آن صدمه زدن از طریق تراشه‌هایی است که به علت کوچکی ابعاد و یا نوع پلاستیکی آنها نمی‌توانند حتی با اشعه ایکس در بدن کشف شوند ممنوع است، زیرا معالجه و درمان بعدی را غیرممکن می‌نمایند.

۴- مین‌های زمینی: به موجب ماده (۱) کنوانسیون ضد مین که در تاریخ اول مارس ۱۹۹۹ به مرحله اجرا درآمد، استفاده از مین‌های زمینی ضد نفر ممنوع است و استفاده از مین‌های زمینی ضد خودرو تحت شرایط خاصی مجاز است.

در خصوص مین، شرایط مین‌های زمینی ضد خودرو، ثبت محل آنها، نگهداری سوابق، نصب حصار، علامت-گذاری، نظارت بر علائم و حصارها، ثبت میداین مین، پاکسازی مین‌ها و همچنین در خصوص مین‌های دریایی مقررات زیادی وجود دارد که خارج از حوصله و وقت محدود این مقاله می‌باشد. فقط اشاره می‌شود که مین‌های مجاز صرفاً می‌توانند علیه اهداف نظامی یا حفاظت از اهداف نظامی بکار روند. این مین‌ها را نمی‌توان حتی بعنوان اقدام تلافی جویانه علیه غیرنظامیان مورد استفاده قرار داد.

۵- تله‌ها: تله عبارت از ابزار یا موادی است که به منظور کشتن یا مجروح کردن افراد، طراحی یا ساخته شده یا تغییر شکل یافته است و هنگامی عمل می‌کند که یک شخص به محلی نفوذ کرده یا به یک شیء ظاهراً بی‌خطر نزدیک شده یا یک عمل ظاهراً بی‌خطر را انجام می‌دهد. در موارد زیر استفاده از تله ممنوع است: تله‌هایی که انفجاری بوده یا بگونه‌ای ساخته شده‌اند که شبیه اشیاء بی‌خطر قابل حمل به نظر می‌رسند. تله‌هایی که به منظور وارد آوردن جراحات بیش از حد و درد و رنج غیرضروری طراحی شده باشند. تله‌هایی که بگونه‌ای طراحی شده‌اند که با دستگاه‌های ردیاب عمل می‌کنند.

تله‌ها نباید همراه با موارد زیر بکار گرفته شوند:

علائم و نشانه‌های حمایتی شناخته شده بین‌المللی؛

افراد بیمار یا مجروح یا کشته‌شدگان؛

گورها یا مکان‌های دفن اجساد؛

تسهیلات، تجهیزات، تدارکات یا وسایل حمل و نقل درمانی؛

اسباب‌بازی‌های بچه‌گانه یا سایر اشیاء یا محصولات قابل حمل که برای تغذیه، بهداشت، سلامتی، پوشاک یا آموزش کودکان طراحی شده باشند؛

مواد غذایی یا آشامیدنی؛

وسایل آشپزی مگر در مکان‌ها یا انبارهای آذوقه نظامی؛

اشیایی که آشکارا ماهیتی مذهبی دارند؛

اشیاء فرهنگی.

۶- سلاح‌های لیزری کور کننده: این ممنوعیت در مورد سلاح‌های لیزری کور کننده ضد نفر اعمال می‌شود.

۳- سلاح‌های کشتار جمعی در ایران

مهمترین سلاح ایران، قایق‌های تندرو یا حملات سایبری نیست، حتی سلاح هسته‌ای که هنوز وجود هم ندارد. سلاح مهم و اصلی ایران در این تقابل، اقتصادی است. سلاح کشتار جمعی ایران اقتصادی و مشخصاً بهای نفت است و برای استفاده از این سلاح ایران نیاز به بستن تنگه هرگز ندارد. اروپا به تنهایی ناگزیر است

ششصد هزار بشکه واردات خود را از ایران جایگزین کند و بخش بزرگی از این تقاضا مربوط به سه کشور اروپایی (یونان، ایتالیا و اسپانیا) است که از نظر اقتصادی آسیب‌پذیرند. هم‌اکنون واردات آنان از ایران، بر مبنای توافق‌های پایاپای و بطور نسبی ارزان و قراردادهای بلندمدت هستند، که جایگزین کردن آنها با قیمت و کیفیت مشابه دشوار است. قراردادهای جدید پس از مذاکرات باید منعقد شوند، تأمین‌کنندگان تازه بکار بردازند و پالایشگاه‌ها خود را (با نفت جایگزین شده) تطبیق دهند. همه این خلل‌ها و تغییرات منتج به یک افزایش قیمت شوک‌آور در بازار است و غیرممکن است که پیش‌بینی شود، و حال آنکه قیمت نفت تا چه اندازه بالا خواهد رفت و تا چه زمانی در آن حد خواهد ماند، به ویژه اگر رویدادهای غیرمنتظره به پیچیده‌تر کردن تصویر ادامه دهند؛ واگرایی‌ها برای اقتصاد جهانی که تازه داشت به سوی فاصله گرفتن از رکود بزرگ می‌رفت، کاملاً جدی خواهند بود. اما تحریم‌های «فلج‌کننده» نه تنها بر ایران اثر می‌گذارند، بلکه می‌توانند عوارض جدی برای بقیه دنیا داشته باشند. اگر این تحریم‌ها در راستای فلج کردن ایران تا مرز دست کشیدن از برنامه هسته‌ای باشد، بیشتر هدف به شکست رسیده است. چنین چیزی صرف‌نظر از اینکه چه کسی در تهران حکومت کند، رخ نخواهد داد. اما اگر هدف تحریک ایران برای درگیری در یک جنگ بوده باشد، به هدف رسیده و این اتفاق خواهد افتاد. اما اینکار معضل برنامه هسته‌ای ایران را حل نمی‌کند. برعکس، احتمال بدتر شدن وضعیت را به دنبال دارد.

۴- بکارگیری سلاح‌های نامتعارف از منظر حقوق بین‌الملل

جنایت جنگی، بعنوان یک رفتار مجرمانه بین‌المللی دارای مصادیق متعددی است که در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی مورد جرم‌انگاری قرار گرفته‌اند. برخی از مصادیق این جنایت مربوط به کاربرد نوعی از تسلیحات می‌باشد که در یک محاصره بین‌المللی ممکن است مورد استفاده قرار گیرد. این دسته از سلاح‌ها بعنوان جنگ‌افزار غیرمتعارف شامل اقسام متعددی از سلاح‌های شیمیایی، تسلیحات میکروبی، جنگ‌افزار هسته‌ای و مصادیقی از گلوله‌های انفجاری می‌باشند که سبب تحمیل درد و رنج بیهوده خواهند شد. جنایت بکارگیری سلاح‌های نامتعارف در زمره جرائم عمدی می‌باشد که در برخی اسناد بین‌المللی از جمله سند تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی پیش‌بینی شده‌اند. در جنایات عمدی مزبور ضرورت دارد که مرتکب علاوه بر تعمد در ارتکاب آن، نسبت به اوضاع و احوال محیط بر جنایت نیز آگاهی داشته باشد. از منظر فقه اسلام ممنوعیت‌ها و محدودیت‌هایی در استفاده از ابزار جنگی وضع شده است. پیش‌بینی عدم مشروعیت بکارگیری برخی از ادوات نظامی بعنوان حکمی کلی که قابلیت تعمیم به مصادیق متعدد دارد، به منزله حکم اولیه است. از این‌رو برای ممنوعیت بکارگیری این نوع از سلاح‌ها همچنانکه ممکن است به اسناد مختلف بین‌المللی استناد

کرد، می‌توان به آموزه‌های اسلامی و احکام شریعت توسل جست؛ احکام و قواعدی که ناظر بر موازین حقوق بشر دوستانه می‌باشند (خالقی، ۱۳۹۴: ۱۹).

حقوق بشر دوستانه

اصطلاح حقوق بشر دوستانه یا به تعبیر دیگر حقوق الانسانی، از جمله اصطلاحات جدیدی است که طی قرون اخیر وارد ادبیات حقوق بین‌الملل شده و طی چند کنفرانس و نشست در قالب کنوانسیون‌ها و قراردادهایی مورد اقبال و اجماع جامعه بین‌الملل واقع گردیده و در حوزه حقوق بین‌الملل عمومی تعریف شده است. موضوع حقوق بشر دوستانه در زمان جنگ و مخاصمات و درگیری‌ها بین اقوام و مناطق مختلف جامعه بشری بمنظور پیشگیری از آسیب‌های غیرمعتارف و استعمال سلاح‌های غیرمجاز و برخوردهای خشونت‌آمیز با غیرنظامیان، اسیران، مردم عادی، مجروحان، بیماران و آسیب‌دیدگان و جهات مشابه دیگر مطرح می‌شود. بگونه‌ای که بعضاً مترادف با حقوق مخاصمات یا حقوق در جنگ تلقی می‌گردد. موضوعی که بارها بواسطه زیاده‌خواهی و عقده‌گشایی‌ها و لشکرکشی‌ها و خصومت‌ها نادیده انگاشته شده و کرامت انسانی و صیانت ذات جامعه بشری را در مذبح اراده یکجانبه قدرت‌های سلطه‌گر قربانی می‌کند. وضع و انشاء حقوق و قواعد و مقررات بشر دوستانه در واقع واکنشی است مثبت و اعتراض‌آمیز به رویه خشونت‌بار و قاعده‌شکنانه در طول جنگ‌ها و درگیری‌ها و مخاصمات جامعه بشری (ممتاز(الف)، ۱۳۷۵: ۱۴۳-۱۴۴).

مواردی که در قالب محوریت اخلاق در جنگ مطرح می‌شود، از آن می‌توان به توصیه‌های اخلاقی اشاره کرد که عمدتاً به رعایت امور انسانی، اخلاقی و عادلانه اشاره دارد. این امور که به حقوق بشر دوستانه مشهور شده است، سطح وسیعی از امور اخلاقی را در برمی‌گیرد که انجام آن عملی قبیح و نکوهش شده به حساب می‌آید. بخشی از این امور به قرار ذیل است:

به زنجیر کشیدن افراد در زمان جنگ یا صلح (تمیمی مغربی، ۱۳۷۴: ۳۶۹).

قتل بدون سند و مدرک و به خاطر گمان یا تهمت؛

اعمال مجازات قبل از ارتکاب جرم یا وجود علم به ارتکاب پسینی؛

شکنجه دشمن؛

تعرض به اماکن مذهبی مانند کلیساها و معابد؛

اقدام به جنگ پیش‌دستانه به قصد انتقام‌جویی و غارت؛

قتل سربازان دشمن، با وجود امکان اسارت آنان؛

نبرد با کفار اهل کتاب با وجود آمادگی برای انعقاد قرارداد ذمه؛

جنگ با وجود پیشنهاد صلح از جانب دشمن؛

کشتن افراد غیرنظامی مانند راهبان و روحانیان، پرستاران، مجروحان و بیماران، سفیران جنگی، بچه‌ها، زنان و پیران

تکه‌تکه کردن اعضای بدن دشمن (محقق حلی، ۱۳۶۵: ۱۱۳).

کسی که این قوانین را وضع کرده است، حکم به جواز استفاده از بمب هسته‌ای نمی‌دهد؛ زیرا استفاده از این بمب عملاً نقض غالب بلکه همه دستورها و توصیه‌های اخلاقی لازم‌الاجرا در زمان جنگ و صلح است. بنابراین به نظر می‌رسد با وجود این مبانی نوبت به ادله حرمت استفاده از سلاح‌های هسته‌ای نخواهد رسید؛ زیرا این مبانی به خوبی حکم به عدم جواز و حرمت می‌دهند.

۱- جایگاه حقوق بشردوستانه در دوران معاصر

امروزه حقوق بشردوستانه صرفاً مترادف با حقوق مخاصمات مسلحانه نیست و تطور و تحول و تکامل یافته‌تر شده است. حقوق بشردوستانه رفته‌رفته از موضوع قربانیان مربوط به جنگ‌ها و اقدامات غیرقانونی در جنگ‌ها، استفاده از سلاح‌های غیرمتعارف اعم از اتمی، میکروبی، شیمیایی، رفتار غیرانسانی با اسراء و مجروحان و مصدومان در جنگ‌ها، پرهیز از توسل به زور و استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی و ده‌ها عنوان مشابه دیگر به تلاش‌های انسان‌دوستانه در کوران بلایا و حوادث و سوانح طبیعی و غیرطبیعی، خشونت‌های انسانی و حوادث بیولوژیکی، حوادث قومی و نژادی و فرقه‌ای، ناهنجاری‌ها و نابسامانی‌ها، تخریب محیط زیست و ده‌ها مورد دیگر نیز تسری می‌یابد. اگرچه ممکن است همه این موارد بعنوان حقوق بشردوستانه تلقی نشود اما عنوان اقدام بشردوستانه قطعاً بر آن مترتب خواهد بود و بی‌تردید در برابر این قبیل مسائل و مصائب و حوادث و بلاهای طبیعی و غیرطبیعی التزام به استانداردهای متعارف ضروری می‌نماید. اکنون پس از قریب به حدود ۱۴۰ سال حقوق بشردوستانه دوران تکاملی پرفراز و فرودی را پشت سر گذاشته و به مجموعه‌ای از پروتکل‌ها و قواعد و قوانین و اصول و مقررات و اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌ها و شاخه‌های حقوقی اطلاق می‌گردد که ضامن جلوگیری از خشونت و ناجوانمردی‌هایی است که ممکن است در خلال خصومت‌ها و جدال‌های طرفین متخاصم ایجاد شود.

امروزه کمیته‌ها و نهادها و موسسات گوناگونی از جمله کمیته بین‌الملل صلیب سرخ و هلال احمر مسئولیت توسعه و ترویج این مهم را در سراسر جهان برعهده دارند. هر قدر بشر به سمت عقلانیت پیش رود و میزان آگاهی و تفکر انسان بیشتر شود و دورنمای تاریخ در پس تجربه‌های انباشته حال و گذشته نمایان‌تر گردد تمایل به صیانت کیان و کرامت انسان افزون‌تر خواهد گشت و جدای از اقلیت فزون‌طلب زیاده‌خواه، قاطبه مردم تمایل به عدم خصومت و جدال و خونریزی و خشونت پیدا خواهند کرد و حتی بر فرض وقوع این پدیده اضطراری ناخوشایند به التزام به شرافت و کرامت انسانی پای خواهند فشرد مضاف بر این، دوران معاصر

ویژگی برخورداری از نهادهای بین‌المللی را نیز داراست که این نهادها به منظور حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و جلوگیری از اتخاذ تصمیمات و اقدامات نامطلوب و جنگ‌افروزان تأسیس شده‌اند که در صورت التزام به کارکرد وجودی خویش، می‌توانند مثرتر واقع شوند.

۲- اصول حقوق بشردوستانه

سازوکار تحریم که در دوران جنگ یا در نتیجه یک جنگ اعمال می‌شود تحت اصول حقوق بشردوستانه قرار می‌گیرد. براساس حقوق بشردوستانه مردمان غیرنظامی باید تا حد امکان از صدمات جنگ در امان باشند، کنوانسیون‌های ژنو عبور آزادانه امکانات پزشکی و وسایل ضروری برای عبادت مذهبی را الزامی می‌دانند. این کنوانسیون‌ها همچنین قوانینی را برای کاروان‌های پزشکی و کاروان‌های خروج مردم از صحنه درگیری وضع کرده‌اند. تحریم‌های الزام‌آور اقتصادی باید منطبق با حقوق بین‌الملل مخاصمات مسلحانه باشند. نکته مهم در برنامه‌های تحریم اقتصادی تحت فصل ۷ منشور عدم توانایی شورای امنیت برای رعایت استانداردهای حقوق بین‌الملل به ویژه اصول تناسب و تبعیض در تعریف و اعمال تحریم‌ها است. در دو مورد عراق و هائیتی، شورا صراحتاً به تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر شهروندان کشور تحت تحریم اذعان نمود که باید این موضوع در تصمیم‌گیری شورا مدنظر قرار گیرد (Reisman and Stevick, 1998: 141).

۹۶ بطور بالقوه، تحریم‌ها می‌توانند مخرب‌تر از جنگ باشند. اجازه دادن به بازیگران یکجانبه یا چندجانبه به اعمال تحریم‌های اقتصادی بدون توجه به صدمات جانبی آنها به اهداف بنیادین حقوق بشردوستانه بین‌المللی آسیب وارد می‌سازد. همچنین تحریم‌های اقتصادی تنها زمانی می‌توانند استفاده شوند که قادر به تمایز بین نظامیان و غیرنظامیان باشند.^۱

۳- قواعد اساسی حقوق بین‌الملل بشردوستانه

الف) رفتار انسانی و بدون تبعیض با کسانی که مشارکت مستقیم در جنگ ندارند؛ بر این اساس اشخاصی که درگیری را ترک کرده و کسانی که مشارکت مستقیم در درگیری ندارند حق دارند که حیات و تمامیت جسمی و روحی‌شان مورد احترام قرار گیرد. آنها در هر شرایطی باید مورد احترام واقع شده و با آنها بدون هیچگونه تبعیضی بصورت انسانی رفتار شود (Wikipedia Contributors, 2008).

ب) ممنوعیت کشتن یا زخمی کردن دستگیرشدگان در جنگ؛ بر این اساس کشتن یا زخمی کردن دشمنی که در جنگ اسیر شده و یا به مشارکت خود در جنگ پایان داده است ممنوع می‌باشد.

^۱ UN News Center, 22 July 2011

ج) احترام، کمک و حفاظت از نظامیان و غیرنظامیان دستگیر شده، بنابراین رزمندگان و غیرنظامیان دستگیر شده که در اختیار یکطرف مخاصمه هستند حق دارند که حیات، حیثیت، حقوق شخصی و اعتقاداتشان مورد احترام واقع شود. از آنها باید در برابر کلیه اعمال خشونت‌بار و انتقام‌جویانه حفاظت شود و آنها حق دارند با خانواده‌هایشان ارتباط برقرار کرده و کمک‌های امدادی دریافت کنند.

د) جمع‌آوری مجروحان و بیماران و حمایت از آنان و تأسیسات و پرسنل حمل و نقل، پزشکی و ... براساس این قاعده مجروحان و بیماران باید توسط آن طرف مخاصمه که آنها را در اختیار دارد جمع‌آوری شده و مورد مراقبت قرار گیرند این حمایت همچنین شامل پرسنل، تأسیسات، حمل‌ونقل و تجهیزات پزشکی هم می‌شود. نشان صلیب سرخ یا هلال احمر (یا کریستال سرخ) علامت چنین حمایتی است و باید مورد احترام واقع شود. ه) حق برخورداری از تضمینات قضایی و دادرسی عادلانه؛ بر این اساس هر فرد حق برخورداری از تضمینات قضایی اساسی را دارد، هیچکس نباید به خاطر عملی که مرتکب نشده مسئول تلقی شود. هیچکس نباید مورد شکنجه جسمی و روحی، مجازات‌های بدنی یا رفتارهای ظالمانه و خفت‌بار قرار گیرد.

و) محدودیت اطراف جنگ در استفاده از شیوه‌ها و ابزارهای جنگی؛ بنابراین اصل طرف‌های درگیری و اعضای نیروهای مسلح آنها، حق نامحدودی در انتخاب شیوه‌ها و روش‌های جنگی ندارند. استفاده از سلاح‌ها یا روش‌های جنگی که باعث ورود درد غیرضروری یا رنج زاید می‌شود ممنوع است (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۲۷۷-۹۷ (۲۷۸).

ز) تفکیک بین نظامیان و غیرنظامیان و اموال غیرنظامی؛ بنابراین اصل طرف‌های درگیری باید میان جمعیت غیرنظامی و رزمندگان تفکیک قائل شوند جمعیت غیرنظامی و افراد غیرنظامی و مناطق غیرنظامی و بناهای فرهنگی و ... نباید مورد حمله واقع شود.

۴- کنوانسیون‌های بین‌المللی

برخی از مهمترین معاهدات حقوق بشردوستانه بین‌المللی عبارتند از:

۱۸۶۸ اعلامیه سن پترزبورگ؛

۱۸۹۹ کنوانسیون لاهه در مورد رعایت قوانین و عرف‌های جنگ زمینی و تطبیق اصول کنوانسیون ژنو

مصوب ۱۸۶۴ بر جنگ‌های دریایی؛

۱۹۰۷ کنوانسیون لاهه برای بازبینی کنوانسیون ۱۸۹۹ لاهه؛

۱۹۲۵ پروتکل ژنو در مورد منع کاربرد گازهای خفه‌کننده، سمی یا دیگر گازهای مشابه و روش‌های

باکتریولوژیک در جنگ؛

۱۹۲۹ کنوانسیون ژنو در مورد رفتار با اسرای جنگی؛

۱۹۴۹ کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، شامل: I بهبود شرایط مجروحان و بیماران نیروهای مسلح در میدان نبرد؛ II بهبود شرایط مجروحان، بیماران و کشتی‌شکستگان نیروهای مسلح در دریا؛ III رفتار با اسرای جنگی؛ IV حمایت از غیرنظامیان در زمان جنگ.

۱۹۵۴ کنوانسیون لاهه برای حمایت از اموال فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه؛

۱۹۷۷ پروتکل اول و دوم الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ برای حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی؛

۱۹۸۰ کنوانسیون منع یا محدودیت استفاده از سلاح‌های خاص معاهده‌ای؛

۱۹۹۳ کنوانسیون منع تکمیل، تولید، ذخیره‌سازی و کاربرد سلاح‌های شیمیایی و نابودسازی آنها؛

۱۹۹۷ کنوانسیون منع ذخیره‌سازی، تولید و تجارت مین‌های ضد نفر و منع استفاده و نابودسازی آنها؛

۱۹۹۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری؛

۲۰۰۰ پروتکل الحاقی به کنوانسیون حقوق کودک در مورد کودکان سرباز.

جنگ از دیدگاه حقوق بین‌الملل

۹۸- ۱- جنگ و توسل به زور

در حقوق بین‌الملل، جنگ شیوه اجبار همراه با اعمال قدرت و زور است. فرهنگ اصطلاحات حقوق بین‌الملل توسل به زور را به دو صورت مضیق و موسع تعریف کرده است. توسل به زور در مفهوم نخست، عبارت است از هرگونه عمل قهرآمیزی که نتوان آن را اقدامی نظامی قلمداد نمود. اما در مفهوم دوم، کلیه تدابیر و عملیات نظامی، از جمله جنگ را شامل می‌شود.

جنگ یک وضعیت استثنائی است و طبعاً قواعد مربوط به آن نیز به نام حقوق جنگ، قواعدی استثنائی می‌باشد. حقوق جنگ شامل مجموعه اصول و قواعدی است که حاکم بر روابط میان کشورهای متخاصم با یکدیگر و یا میان کشورهای متخاصم با کشورهای بیطرف می‌باشد. بمحض آغاز جنگ، بدون توجه به چگونگی شروع آن، کشورهای متخاصم دیگر تابع حقوق امن صلح نیستند، بلکه از حقوق جنگ تبعیت خواهند نمود؛ چه این حقوق عرفی باشد، چه قراردادی. کشورهای ثالث (یعنی کشورهایی که در مخاصمه شرکت ندارند)، خواه حقوق جنگ را مراعات نمایند یا خیر؛ نیز روابط خود را با کشورهای متخاصم تابع حقوق زمان صلح نمی‌سازند؛ بلکه از آن پس از حقوق بیطرفی تبعیت می‌نمایند (ابراهیمی، ۱۳۸۱: ۱۹۴).

۲- ضرورت وجود حقوق جنگ

حقوق جنگ همواره موجب یک جدال عقیدتی بین صاحب‌نظران بوده و هست. اختلاف‌نظر در این باب بعضاً به حدی است که حتی موجودیت واقعی آن را مورد سوال قرار می‌دهد. برخی از دانشمندان، حقوق جنگ را قبول ندارند و ضرورت وجود آن را مورد انکار قرار می‌دهند. این گروه در مخالفت با حقوق جنگ به دلایل مهم و اساسی استناد می‌کنند که از آن جمله است:

۱- جنگ یک جنایت است و جنایت را ناپیستی تحت قاعده درآورد. برای جنایت یا باید مجازات تعیین کرد و یا از وقوع آن جلوگیری نمود؛

۲- حقوق جنگ، حقوقی بی‌فایده و غیرمفید است؛ زیرا همیشه اجرای آن موخر بر وقوع جنگ می‌باشد؛

۳- حقوق جنگ براساس تجربیات جنگ‌های گذشته وضع شده و در جنگ‌های آینده، به دلیل پیشرفت‌های سریع علمی و فنی که در این فاصله صورت گرفته است، غیرقابل اجرا می‌باشد؛

۴- تا زمانیکه مسئولیت کیفری فرد در حقوق بین‌الملل کاملاً شناخته نشده و ضمانت اجراهای موثر علیه اعمال فردی ناقض حقوق جنگ بوجود نیامده است، این حقوق عملاً اثری نسبت به متخاصمانی که همواره آن را در طول به مخاصمات نقض می‌کنند، نخواهد داشت؛

۵- گرچه مجازات جنایتکاران جنگ دوم جهانی پس از جنگ اهمیت خاص خود را دارد، منتها باید آن را ۹۹ یک رویداد استثنائی تلقی نمود؛

۶- قانونگذار بین‌المللی مرجحاً بایستی تمامی فعالیت خود را وقف بهتر نمودن و غنی‌ساختن حقوق صلح نماید تا حقوق جنگ.

به‌رغم مخالفت‌های یاد شده، توجه به ضرورت حقوق جنگ اهمیتی ویژه دارد؛ زیرا واقعیت‌ها خود پاسخگوی مخالفت‌ها است. متأسفانه جنگ بطور قطعی و کامل از صحنه زندگی بین‌المللی رخت برنسته است. براحتی می‌توان پذیرفت که امکان وقوع جنگ در هر لحظه، به دلیل نقض تعهدات مربوط از جانب هریک از کشورها باقی است. بنابراین لازم است حداقل جریان جنگ را تابع مقررات حقوقی نمود و تا آنجا که بتوان، خطرات و خسارات ناشی از آن را محدود ساخت. از سوی دیگر، همیشه این اعتراض وجود داشته و دارد که قوانین جنگ نقض شده و خواهد شد. اما مطالعه و بررسی جنگ‌های گذشته، از جمله جنگ‌های جهانی اول و دوم، خلاف این ادعا را به اثبات می‌رساند. در جنگ جهانی اول، حقوق جنگ به آن حدی که ادعا شده است، نقض نگردید و چنین ادعائی مسلماً از روی عدم اطلاع و آگاهی است. این عده اطلاعی از نظریه انگلیسی-آمریکایی در مورد جنگ نداشتند زیرا بعنوان نمونه از دید انگلیسی‌ها جنگ اقتصادی مشروعیت دارد و یا نمی‌دانستند که هیچ قاعده موضوعه‌ای تا آن زمان جنگ شیمیایی را منع نکرده بود. اینان اعلامیه لندن (۱۹۰۹) (در مورد

جنگ دریایی) را جزء حقوق موضوعه قلمداد می‌کنند؛ درحالی‌که این اعلامیه اصلاً به مرحله اجرا در نیامد. بالاخره اینگونه افراد نمی‌دانستند که عهدنامه‌های ۱۹۰۷ لاهه براساس شرط متقابل برای تعدادی از کشورهای متخاصم مثل روسیه، ایتالیا و ترکیه بعنوان قرارداد الزام‌آور نبود؛ زیرا این کشورها آنها را امضا نکرده بودند، جنگ جهانی دوم سیر فقهقرائی قابل ملاحظه حقوق جنگ را نشان می‌دهد. در حالی‌که فرانسه همواره حقوق جنگ را دقیقاً رعایت می‌کرد، آلمان برعکس آشکارا حقوق قراردادی اشغال را نقض کرده بود. در مقابل، متفقین نیز به خاطر استفاده از بمب اتمی مورد سرزنش قرار گرفتند. از جهت دیگر، طرفین متخاصم بدون توجه و رعایت وضعیت غیرنظامیان، به یک جنگ هوایی بیرحمانه مبادرت ورزیدند. با این حال نبایستی نتیجه گرفت که حقوق جنگ متروک ماند؛ زیرا در موارد بیشماری از جمله در مورد رفتار با زندانیان نظامی جنگی، از سوی اکثریت کشورهای متخاصم رعایت گردید (ممتاز(ب)، پیشین: ۱۳).

البته و با تمام این اوصاف، تضاد موجود میان ممنوعیت جنگ از نظر حقوق بین‌الملل و بعنوان یک اصل را با اجرای مقررات حقوق جنگ، نمی‌توان نادیده گرفت. بعلاوه بایستی به عدم کارایی حقوق پیشگیری کننده جنگ نیز اعتراف نمود؛ حقوقی که با پریده جنگ که یک نهاد غیرقانونی ولی واقعی است، هم ارز بوده و در کنار یکدیگر قرار دارند.

۱۰۰ ۳- آثار حقوقی جنگ

به محض شروع مخاصمه، حالت جنگ برقرار می‌شود و کلیه مناسبات عادی میان متخاصمان قطع شده و جای خود را به مناسبات خصمانه می‌دهد. در نتیجه، جنگ آثار حقوقی معینی را، چه نسبت به کشورها و چه نسبت به افراد، به دنبال دارد. شروع حالت یا وضعیت جنگ، تأثیری در قانونی بودن یا نبودن اصل جنگ ندارد.

۱- آثار جنگ نسبت به کشورهای ثالث: وقوع جنگ نه تنها آثار مهم و اساسی بر روابط کشورهای متخاصم با یکدیگر دارد، بلکه بر کشورهای ثالث نیز تأثیر می‌بخشد؛ بدین معنی که بلافاصله پس از بروز حالت جنگ، حقوق بیطرفی بر وضعیت کشورهای ثالث حاکم می‌گردد. از این پس، آنها حق مداخله و مشارکت مستقیم یا غیرمستقیم در جنگ آغاز شده را ندارند؛ البته می‌توانند مساعی جمیله خود را در جهت اختتام آن مبذول دارند.

۲- آثار جنگ نسبت به کشورهای متخاصم عبارت است از:

الف) قطع روابط دیپلماتیک و کنسولی: یکی از جلوه‌های اساسی روابط دوستانه و مسالمت‌آمیز میان کشورها، روابط دیپلماتیک و کنسولی است؛ اما جنگ که تجلی غیرقابل اعراض روابط خصمانه و غیرمسالمت‌آمیز میان کشورها است، نمی‌تواند با روابط دیپلماتیک و کنسولی همسویی داشته باشد. در نتیجه، به مجرد شروع

جنگ، روابط دیپلماتیک و کنسولی کشورهای متخاصم خودبه‌خود قطع می‌شود. البته در عمل مواردی دیده شده که جنگ لزوماً موجب قطع کامل روابط دیپلماتیک و کنسولی میان متخاصمان نگردیده است. از جمله پیامدهای قطع روابط دیپلماتیک و کنسولی بر اثر بروز جنگ آن است که کادر دیپلماتیک و کنسولی طرفین مخاصمه، متقابلاً فراخوانده می‌شوند و مبادله آنان براساس اصل معامله متقابل به مثل، در یک کشور بیطرف صورت می‌گیرد. بدیهی است تا زمانیکه ماموران مذکور قلمرو کشور متخاصم را ترک نکرده‌اند کماکان از مصونیت‌های مقرر در حقوق بین‌الملل استفاده خواهند نمود (نف، ۱۳۸۵: ۵۸).

طبق ماده ۴۵ عهدنامه ۱۹۶۱ وین در مورد روابط دیپلماتیک هر یک از طرفین متخاصم می‌تواند قبل از خاتمه ماموریت کشور ثالثی را که خود بپذیرد و مورد قبول کشور پذیرنده باشد (معمولاً یک کشور بیطرف) مامور دفاع و حفاظت از منافع ملی و اتباع خود کرده و آن را به مقامات صلاحیت‌دار کشور دشمن معرفی نماید. این کشور ثالث را کشور حامی یا حمایت‌کننده یا حافظ منافع می‌نامند.

این پدیده که قبل از عهدنامه وین مبنای عرفی داشت، در طول جنگ جهانی دوم دامنه وسیعی پیدا کرد؛ بطوریکه سوئیس نمایندگی ۳۵ کشور و سوئد نمایندگی ۱۹ کشور متخاصم را به عهده گرفته بودند. وظایف کشور ثالث عبارت است از:

۱۰۱

- ۱- اداره و هدایت مذاکرات مربوط به مبادله کادر دیپلماتیک و کنسولی کشور مورد حمایت؛
 - ۲- حمایت از اتباع کشور مزبور (حمایت و برگرداندن غیرنظامیانی که زندانی شده‌اند به کشور خود)؛
 - ۳- حفظ و حراست از اموال دولتی کشورهای متخاصم (ساختمان‌های رسمی و بایگانی‌ها)؛
 - ۴- حفظ و حراست از اموال خصوصی اتباع کشورهای متخاصم؛
 - ۵- حمایت از زندانیان جنگی به اتفاق کمیته بین‌المللی صلیب سرخ (بازدید از اردوگاه‌ها، توزیع کمک‌ها، مبادله اطلاعات هویتی، مراجعت دادن بیماران و مجروحان به وطن).
- از سوی دیگر، امروزه چنین معمول است که پس از قطع روابط، کشور مربوط، در اصطلاح عهدنامه وین ۱۹۶۱، از آن به کشور فرستنده تعبیر شده است یکی از ماموران سیاسی یا اداری سفارت سابق خود را با جلب موافقت دولت محلی، به سمت حافظ اموال منصوب می‌نماید. وظیفه این مامور، همانطور که از عنوانش برمی‌آید، حفاظت و حمایت از منافع و اموال سفارت و اتباع کشور متبوع خود است. این مامور حق مراجعه مستقیم و تماس با مقامات دولت محلی را نخواهد داشت و تنها از طریق سفارت کشوری که حمایت و حفاظت را عهده‌دار شده است می‌تواند امور جاری را انجام دهد. مامور حافظ اموال تا زمانیکه در ماموریت است از کلیه مصونیت‌ها و مزایای سیاسی بهره‌مند خواهد بود.

ب) مصادره و ضبط اموال دولتی دشمن: اموال عمومی یا دولتی دشمن که در قلمرو کشور متخاصم قرار گرفته باشد، مشمول حکم مصادره خواهد بود، به استثنای ساختمان‌های ملکی محل مأموریت کادر دیپلماتیک و کنسولی دشمن و اموال موجود در آنها که بلافاصله پس از خاتمه مأموریت لاک و مهر می‌شوند.^۱ تا سال ۱۹۴۹ هریک از کشورهای متخاصم می‌توانست اتباع طرف دیگر را از سرزمین خود اخراج کند و آنها را به میهن‌شان بازگرداند. در طی دو جنگ جهانی گذشته نیز توقیف و نگهداری شهروندان دشمن در اردوگاه‌های متمرکز، مخصوصاً اردوگاه‌های کار اجباری، بسیار معمول بود؛ ولی از سال ۱۹۴۹ این امر تابع قواعد قراردادی بسیار دقیقی گردید که نتیجه آن تحدید بسیار محسوس قدرت تصمیم‌گیری کشورها است. عهدنامه ۱۹۴۹ ژنو را فوقاً (طبقه‌بندی منابع حقوق جنگ) نام برده‌ایم.

۴- وضعیت قراردادهای بین‌المللی

یکی از علل اختتام قراردادهای بین‌المللی علاوه بر فسخ، تعلیق، کناره‌گیری و ... جنگ است؛ زیرا ظاهراً بین جنگ و وجود قراردادهای بین‌المللی یک نوع عدم هماهنگی و تضاد وجود دارد. قراردادهای تجلیات روابط صلح‌جویانه میان کشورها هستند؛ در حالیکه جنگ این روابط را قطع می‌کند و معمولاً بطور قهری و ضمنی به حیات آنها خاتمه می‌دهد. اما این اصل کلی، استثنائاتی به شرح زیر دربر دارد:

الف) مقررات مربوط به زمان جنگ، شامل قراردادهای دوجانبه یا چندجانبه‌ای است که اختصاصاً به قصد اجرا در زمان جنگ منعقد شده است، مانند قراردادهای مربوط به طرز رفتار با اسیران جنگی یا منع استعمال برخی سلاح‌ها یا موافقتنامه‌های ژنو راجع به صلیب سرخ و هلال احمر و غیره (عاملی، ۱۴۱۴: ۶۲).

ب) امروزه بطور کلی پذیرفته شده است که قراردادهای دوجانبه‌ای که توسط کشورها منعقد می‌گردد، در صورتی در زمان جنگ لغو می‌شود که صرفاً برای زمان صلح منعقد شده باشد، مانند قراردادهای تجاری، اقتصادی و مالی. اما قراردادهایی که خط مرزی را معین می‌کند، ارزش بین‌المللی خود را حفظ می‌نماید و عمل جنگ آثار این تعیین حدود را از بین نمی‌برد.

ج) جنگ نسبت به قراردادهای چندجانبه (جز در مورد قراردادهای دسته اول)، فیما بین کشورهای که حالت بیطرفی خود را حفظ نموده و در جنگ شرکت نمی‌نمایند، این نوع قراردادها همچنان معتبر مانده و اجرا می‌شود. همچنین قراردادهای چندجانبه بین کشورهای در حال جنگ و کشورهای بیطرف پا برجا می‌ماند؛ مثلاً هنگام جنگ ایتالیا و حبشه هیچ‌یک از دو طرف متحارب عضویت در جامعه ملل را رها ننمود. از این طرز عمل می‌توان چنین نتیجه گرفت که قراردادهای چندجانبه‌ای که به موجب آن سازمان‌های بین‌المللی تاسیس می‌گردند، حتی بین کشورهای در حال جنگ که عضویت چنین سازمان‌هایی را دارند، به حیات خود

^۱ مواد ۴۶ تا ۴۸ عهدنامه ۱۹۰۷ لاهه

ادامه می‌دهد. بدیهی است در پایان جنگ و پس از برقراری صلح، این دسته از قراردادهای دوباره برای کشورهای متحارب سابق به اجرا درمی‌آید، بدون آنکه احتیاج به وضع مقررات جدیدی باشد؛ مثلاً قراردادهای اتحادیه پستی که اجرای آن در رابطه با دو کشور فرانسه و آلمان که در حال جنگ بودند (جنگ جهانی دوم) متوقف گردید، پس از پایان مخاصمه مجدداً به اجرا درآمد.

تفاوت حقوق بشر و حقوق بشردوستانه

موضوع حقوق بشر حقوق انسان بمانند انسان است که ماورای همه تعلقات و امتیازات و طبقه‌بندی‌ها براساس هویت وجودی خویش بر او مترتب می‌شود. موضوع حقوق بشردوستانه، مقرراتی است که طرفین متعاقد باید در زمان مخاصمات بدان ملتزم باشند و از بعد بشردوستی به حدود و ثغور آن پایبند بوده، از اصول و چارچوب‌های مورد توافق آن تخطی ننمایند. حقوق بشر از جنس حق است (در برابر تکلیف) و آن عطیه‌ای است که خداوند به مخلوقات خویش اعطا نموده و همزاد گوهر وجودی انسان است (احکام وضعیه). حقوق بشردوستانه از جنس حکم است، یعنی مقررات تکلیفی و قواعد الزام‌آوری است که کشورها با پذیرش و الحاق به آن خود را مقید و متعهد به رعایت فرامین آن می‌کنند. حقوق بشر عام است و بر تمام سکناات حیات بشری سایه انداخته و سیطره دارد و معطل و معلق به چیزی نیست. حقوق بشردوستانه خاص است و ۱۰۳ در موقعیتی خاص ظهور و بروز پیدا می‌کند و آن زمانی است که مخاصمات و درگیری بین جماعتی حادث می‌شود و موضوعیت حقوق بشردوستانه در این برهه عرض اندام می‌کند. از حقوق بشر در زبان عربی تعبیر به حقوق‌الانسان می‌شود و در زبان انگلیسی عبارت^۱ بکار برده می‌شود. از حقوق بشردوستانه در زبان عربی تعبیر به حقوق‌الانسانیه می‌شود و در زبان انگلیسی عبارت^۲ بکار گرفته می‌شود. خاستگاه حقوق بشر امری فطری و مبتنی بر سرشت الهی انسان و نوامیس آفرینش است (حقوق الهی، حقوق طبیعی) که در مرتبه جامعه بشری قابل سلب و نقض و اعطا نیست، بلکه ازلی و لم‌یزلی و خدادادی است. خاستگاه حقوق بشردوستانه امری وضعی و قراردادی است (حقوق قراردادی). که به اراده بشر و مبتنی بر سرشت همزاد پنداری و هم‌نوع‌دوستی و صیانت ذات انسانی و برخاسته از میثاق و تعهد ابناء بشری است تا به فرض تخلف از مقررات و نوامیس فطری، محدوده این تخلف براساس حقوق بشردوستانه رعایت شود (شستاک، ۱۳۸۱: ۱۷۱-۱۶۹).

^۱ Human right

^۲ Humany tarow

مبارزه با تروریسم و سلاح‌های کشتار جمعی در چارچوب امنیت مبتنی بر حقوق بشر

دولت کنونی ایالات متحده مبارزه با تروریسم و گسترش سلاح هسته‌ای را هدف اصلی خود قرار داده است. هر دولتی نیز که در آینده در این کشور بر سر کار آید احتمال زیاد این دو هدف را پیگیری خواهد نمود. اما مسأله این است حال که سازمان ملل متحد و سایر کشورها نیز به این دو مسأله بعنوان تهدیدی علیه صلح و ثبات بین‌الملل می‌اندیشند، بهتر است این مسأله به جای رویکرد نظامی و یکجانبه‌گرایانه که مشخصه اصلی امنیت بین‌الملل می‌باشد، از طریق امنیت مبتنی بر همکاری پیگیری شود. برای این امر ابزارهای سیاسی چندی در قالب استراتژی امنیت مبتنی بر همکاری می‌تواند در نظر گرفته شود.

۱- کاهش تروریسم

گام نخست در مبارزه با تروریسم این موضوع می‌بایست باشد که تروریسم را تهدیدی علیه همه دولت‌ها در نظر گرفت و در ریشه‌کن کردن آن نهایت همکاری را داشت. تقویت فشارهای سازمان ملل برای به حداقل رساندن آن، همکاری بیشتر بخش‌های امنیتی کشورها و پلیس بین‌الملل، اجماع بیشتر بر سر مصداق‌های تروریسم و نهایتاً پرهیز از دست زدن به اقداماتی که می‌تواند مسبب رشد بیشتر آن شود (مانند حمله آمریکا به عراق).

۱۰۴

۲- دیپلماسی و اجبار بین‌المللی

این خط‌مشی در قالب‌های گوناگون پیگیری می‌شود: استفاده از مشوق‌های مالی و اقتصادی، کمک‌های تجاری و تکنولوژیکی، تضمین‌های امنیتی به واداشتن دولت‌ها به پیروی از خلع سلاح بین‌المللی و موافقت-نامه‌های ضدتروریسم، استفاده از تحریم‌های اقتصادی هدفمند شامل تحریم‌های مالی، محدودیت تجاری و تحریم تسلیحات برای وادار به اطاعت کردن از موافقت‌نامه‌های کنترل تسلیحات بین‌المللی، تقویت کردن بازدارندگی متعارف برای تدارک دیدن امنیت مبتنی بر همکاری، حمایت بر ضد رژیم‌های خاطی یا تهدید کننده، استفاده کردن از دادگاه کیفری بین‌الملل، دادگاه جهانی و دیگر زیرساخت‌های حقوقی برای بازداشت رهبران دولت‌های ناقض حقوق بشر مطابق با حقوق بین‌الملل و سرانجام تلاش‌های مهار مبتنی بر همکاری به منظور منزوی ساختن و تضعیف رژیم‌هایی که تبعیت از فرامین خلع سلاح و ضدتروریسم بین‌المللی را رد می‌کند.

۳- حذف سلاح‌های کشتار جمعی

تلاش‌هایی در خصوص حذف سلاح‌های کشتار جمعی می‌تواند در برگیرنده موارد ذیل باشد: موافقت‌نامه‌های بین‌المللی الزام‌آور برای کاهش و حذف سلاح‌های کشتار جمعی و قاعده‌مند ساختن تجارت تکنولوژی‌های قابل استفاده در تسلیحات، گسترش برنامه کاهش تهدیدات جمعی و مرتبط ساختن تلاش‌ها برای کنترل و محافظت از مواد شکافت‌پذیر و به لحاظ جهانی بازرسی‌های سرزده، حمایت از سازمان ملل و دیگر نهادها برای تقویت پیروی از موافقت‌نامه‌های بین‌المللی و بازرسی تسلیحاتی آن سوی دریاها (Gortright, 2005: 74).

۴- ارتقاء توسعه سیاسی و اقتصادی

تقویت تلاش‌های دیپلماتیک بین‌المللی برای پیشگیری و حل تعارضات فراگیر، محرکه‌های توسعه اقتصادی برای تشویق دموکراسی، حاکمیت قانون، وابستگی متقابل بازرگانی و از این طریق کم کردن تمایل به سمت تعارضات مسلحانه و ایجاد انگیزه‌هایی برای همکاری توأم با صلح، مشارکت بیشتر در فرایندهای سیاسی برای مردم در همه‌جا از طریق ارتقاء دموکراسی، حقوق بشر، توانمندسازی زنان و جریان آزاد اطلاعات با هدف تقویت بنیادهای سیاسی جوامع و ارتقاء همکاری و صلح، تکنولوژی انرژی‌های جدید و سیاست توسعه پایدار که وابستگی به واردات نفت و احتمال تعارض بر سر منابع کمیاب را کاهش می‌دهد (هنکر، ۱۳۸۷: ۳۲).

۱۰۵

نتیجه‌گیری

با تشکیل سازمان ملل متحد، آن سازمان نقش مهمی در زمینه حقوق بشر بین‌الملل ایفا کرده است. سازمان ملل با توسعه نهادهای حقوقی و زیرمجموعه‌ها، گفتمان‌های بین‌المللی بشردوستانه را توسعه داده است. مطابق اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر اسناد بین‌المللی این حقوق ویژگی‌هایی همچون جهانشمول بودن، سلب ناشدنی، انتقال‌ناپذیری، تفکیک‌ناپذیری، عدم تبعیض و برابری‌طلبی، به هم پیوستگی و در هم تنیدگی را دارا است. نگرشی اجمالی به مسائل اساسی و اولیه حقوق جنگ به ما نشان داد که جنگ یکی از نمودهای عمده توسل به زور در مناسبات بین‌المللی است که می‌توان آن را از نظر حقوقی بین‌الملل، اعمال قدرت مسلحانه کشورها علیه یکدیگر دانست که مشروط به اعلام صریح قبلی آنها است و هدف از آن معمولاً تحمیل اراده مهاجم در جهت منافع و مصالح ملی است. در مقابل صلح، که یک وضعیت عادی می‌باشد، جنگ یک حالت استثنائی است؛ در نتیجه، حقوق جنگ نیز در برابر حقوق پیشگیری‌کننده جنگ یک حقوق استثنائی است. حقوق جنگ شامل قواعدی است که حاکم بر دوران جنگ می‌باشد و کشورهای متخاصم در روابط

خصمانه خود با یکدیگر و با کشورهای بی طرف، بایستی آن قواعد را مدنظر داشته باشند و آن را رعایت کنند. هرچند در خصوص ضرورت وجودی حقوق جنگ، میان دانشمندان اختلاف نظر شدیدی وجود دارد، ولی پدیده جنگ را بعنوان یک «واقعه» در عرصه بین‌المللی بایستی در نظر داشت و با کمک قواعد حقوقی آن را تحت نظم درآورد تا شاید بتوان از این طریق از شدت خطرات و لطمات ناشی از آن کاست.

گرچه قواعد مربوط به حقوق جنگ پیشرفت قابل ملاحظه‌ای نکرده است، اما تعهدات قراردادی دولت‌ها در مورد جنگ، بعنوان یکی از منابع حقوق جنگ، نیز چندان ناچیز نیست. بدیهی است نمی‌توان در شمارش منابع حقوق جنگ، منابعی چون عرف و اصول کلی حقوقی را نادیده انگاشت. به هر حال و روی هم رفته، حقوق پیشگیری جنگ از حقوق جنگ به معنای خاص آن، پیشرفت و تحول بیشتری داشته است. جنگ، بلافاصله پس از شروع، کلیه روابط میان متخاصمان با یکدیگر و یا با کشورهای ثالث یا بیطرف را دگرگون می‌سازد. از جمله این آثار ممکن است قطع روابط دیپلماتیک و کنسولی میان متخاصمان، مصادره و ضبط اموال دولتی دشمن، اخراج اتباع کشور دشمن از سوی طرف دیگر مخاصمه، و لغو تعلیق قراردادهای بین‌المللی زمان صلح از جانب کشورهای متخاصم باشد. جنگ، به افراد عادی کشورهای متخاصم نیز از جهات مختلف صدمه وارد می‌کند. البته شخص آنان و اموالشان که در قلمرو طرف مخاصم واقع باشد، از هرگونه تعرض مصون است و تحت حمایت حقوقی خواهد بود، اما تجارت با دشمن ممنوع بوده و ممکن است قراردادهای خصوصی فیما بین اتباع نیز لغو و از درجه اعتبار ساقط گردد.

۱۰۶

فهرست منابع

فارسی:

- ۱- ابراهیمی، سید نصراله (۱۳۸۱)، «عدالت، حقوق بشر و چالش‌های آن در حقوق بین‌الملل»، **مجله حکومت اسلامی**، ش ۳۵.
- ۲- تمیمی مغربی، نعمان بن محمد (۱۳۷۴)، **دعائم الاسلام**، ج ۱، قم: نشر اسماعیلیان.
- ۳- خالقی، ابوالفتح (۱۳۹۴)، **حقوق بین‌الملل اختصاصی**، چ ۱، تهران: انتشارات مجد.
- ۴- ساعد، نادر (۱۳۸۶)، **حقوق بشردوستانه و سلاح‌های هسته‌ای**، چ ۱، تهران: انتشارات شهردانش.
- ۵- شستاک، جروم جی (۱۳۸۱)، «نظریه حقوق بشر»، مترجم: جواد کارگزاری، **مجله حقوقی دادگستری**، ش ۴۰.
- ۶- عاملی، شیخ حر (۱۴۱۴)، **وسائل الشیعه**، ج ۱۵، قم: موسسه آل‌البیت.
- ۷- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۳)، **تفسیرالمیزان**، ج ۴، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ۸- هنکر، تز (۱۳۸۷)، **حقوق بین‌المللی بشردوستانه عرفی**، مترجم: دفتر امور بین‌المللی قوه قضائیه و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، چ ۱، تهران: انتشارات مجد.

- ۹- ممتاز(الف)، جمشید (۱۳۷۵)، *حقوق سلاح‌های کشتار جمعی*، تهران: نشر دادگستر.
- ۱۰- ممتاز(ب)، جمشید (۱۳۷۷)، *حقوق بین‌المللی، سلاح‌های کشتار جمعی*، مترجم: امیرحسین رنجبریان، چ ۱، تهران: نشر دادگستر.
- ۱۱- محقق حلی، جعفر بن الحسن (۱۳۶۵)، *شرایع الاسلام*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۱۲- نف، استفن (۱۳۸۵)، *جنگ اقتصادی در حقوق بین‌الملل*، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

لاتین:

- 1- Gortright, Dorj (2005). *Cooperative Security: The Alternative to Pax America*. Rowman and Little Field Publisher.
- 2- Reisman, Michael and Stevick, Douglas (1998). The Applicability of International Law Standards to United Nations Economic Sanctions Programmes. *European Journal of International Law*.
- 3- Wikipedia contributors (2008). "Weapon of mass destruction". *Wikipedia, The Free Encyclopedia*.

